

اطلاعیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت اول می ۲۰۲۲

گرامی باد، اول می، روز جهانی کارگران! مرگ بر امپریالیزم و رژیم ارتجاعی طالبان!

اول می، روز بین‌المللی کارگران جهان، روز تجدید تعهد کمونیست‌های انقلابی بر آرمان‌شان، مبنی بر مبارزه برای جهان عاری از استثمار و ستم است. اول می، روز جهانی کارگران، در ۱۸۸۹ میلادی در گنجره اول انترناسیونال دوم به تصویب رسید. از آن روز تا کنون کمونیست‌های جهان، همه ساله در این روز تجدید پیمان می‌کنند، که تا پای جان در راه تحقق آرمان کمونیستی مبارزه کنند. جنبش کمونیستی بین‌المللی، در طول بیشتر از یک قرن به عنوان پیشروان طبقه کارگر در این راه فداکاری‌های عظیم نموده و پیروزی‌ها و شکست‌های بزرگی را تجربه کرده‌اند. اول ماه می امسال در شرایط از راه می‌رسد که طبقه کارگر و خلق جهان هنوز به‌طور کامل از وحشت و کشتار اپیدمی کرونا رهایی نیافته است، که نظام امپریالیستی با به راه انداختن جنگ ویران‌گر و تجاوزگرانه در اوکراین دهشت و جنگ دیگر را بر مردم جهان تحمیل نمود و میلیون‌ها نفر از مردم اوکراین را به فقر و فلاکت و آوارگی و مرگ کشانید و این کشور را ویران نمود. بار رنج، مصیبت و قتل عام را که سرمایه داری - امپریالیستی در جهان به راه می‌اندازد، قبل از همه از طبقه کارگر و خلق‌های زحمت کش قربانی می‌گیرد و به شدت استثمار و ستم آن‌ها می‌افزاید. جنگ اوکراین تضاد میان کشورهای بزرگ امپریالیستی جهان را تشدید نموده و خطر جنگ هسته‌ای و گسترش جنگ و ناامنی در سایر نقاط جهان را افزایش داده است. علاوه بر تشدید تضاد میان کشورهای امپریالیستی و در کل بحران سرمایه‌داری، تضاد میان کشورهای امپریالیستی و ملل تحت ستم جهان نیز شدت بیشتر یافته و در کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری جهان مبارزه کارگران و زحمت‌کشان علیه دولت‌های سرمایه‌داری و طبقات حاکمه، افزایش یافته است. تقلا امپریالیست‌ها برای رهایی از این بحران فزاینده، منجر به منازعات بیشتر در جهان خواهد شد. نژادپرستی، زن‌ستیزی و بیگانگی‌های در جهان به خصوص اروپا و آمریکا شدت گرفته که نتیجه آن قدرت‌گیری جریان‌های راست افراطی است. خطر جنگ هسته‌ای، بحران محیط زیست و جنگ‌های تجاوزکارانه امپریالیستی بیش از هر موقع دیگر، ادامه حیات انسان‌ها را به خطر مواجه نموده‌اند.

کشورهای جنگ‌زده مانند افغانستان، سوریه، یمن و سومالیای هنوز در آتش جنگ ارتجاعی، ناامنی، فقر، گرسنگی و آوارگی دست‌وپا می‌زنند. صدها میلیون نفر در سراسر جهان به خصوص در کشورهای تحت سلطه آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در فقر و گرسنگی و مرضی مزمن، جان می‌کنند.

با تسلط دوباره ارتجاع طالبان بر کشور، کارگران و کلیه زحمت‌کشان افغانستان، فصل تازه از سیاه‌روزی و شرایط اختناق را تجربه می‌کنند. آوارگی، فقر، گرسنگی و بیکاری به‌صورت بی‌پیشینه در افغانستان افزایش یافته و از مردم قربانی می‌گیرند. بالاتر از نصف نفوس کشور به کمک موسسات خیریه و گدایی در کوچه‌ها و سرک‌ها در تلاش زنده ماندن هستند. خانواده‌ها برای زنده ماندن مجبورند فرزندان و اعضای بدن‌شان را بفروشند. اخاذی و باج‌گیری طالبان از دست فروشان، کسبه کاران و دکانداران و رشوت‌ستانی در ادارات دولتی به خصوص ریاست پاسپورت به نحو چشم‌گیری بر فقر و محرومیت زحمت‌کشان افزوده و عرصه را چنان بر آن‌ها تنگ نموده، طور که بسیار فقط در فکر فرار از کشور هستند. کارگران و مردم آواره کشور که در کشورهای خارجی به خصوص ایران، ترکیه و پاکستان به سر می‌برند در وضعیت بسیار اسفبار قرار دارند و مدام مورد توهین و تحقیر و آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

اختناق و سلطه بنیادگرایان طالب بر افغانستان این کشور را به وحشت‌کده تبدیل کرده است. نسل جوان در حال فرار از کشوراند و هیچ امید و آرزوی برای آینده‌شان نمی‌بینند. زنان به‌طور گسترده و جمعی از کار در ادارات دولتی و خصوصی اخراج گردیده‌اند. طالبان با تحمیل قوانین بغایت زن‌ستیزانه بر جامعه، زنان را از حقوق و آزادی‌های اولیه‌شان محروم کرده‌اند. بار سنگین فقر و بیکاری گسترده اجتماعی تحت سلطه طالبان قبل از همه بر دوش زنان سنگینی می‌کنند. قتل مرموز و مشکوک دختران جوان و زنان افزایش یافته و ازدواج‌های اجباری و فروش دختران خورد سال سیر صعودی نموده است.

اکنون سلطه طالبان بر افغانستان، عامل اصلی ناامنی روانی و اجتماعی و فقر و بیکاری، جنگ و آوارگی مردم کشور است. طالبان اما ادعا دارند که امنیت را در افغانستان تامین کرده‌اند. در یک هفته اخیر صدها کودک و شاگرد مکتب و مردم بی‌گناه در مکتب و مساجد سلاخی شدند.

هزاره‌ها و شیعیان افغانستان به عنوان یک گروه قومی و مذهبی بطور هدفمند توسط نیروهای داعش و سایر بنیادگرایان اسلامی کشته می‌شوند. واقعیت اما این است که، طالبان هرگز قادر به تامین امنیت افغانستان نیستند. خلق افغانستان، کارگران، زنان و جوانان از این گروه متفراند. هر روز که از عمر سلطه این گروه می‌گذرد، افغانستان بیشتر به سمت قهقرا، ویرانی بیشتر و جنگ ارتجاعی داخلی به پیش می‌رود. بی‌کفایتی و ناتوانی طالبان به لحاظ سیاسی و شکست‌شان به لحاظ ایدئولوژیک کاملاً محرز است. نفرت عمیق از طالبان همه احاد جامعه را به تکاپو انداخته و آن‌ها را مجبور به یافتن روزنه و راه بیرون رفتن از این شرایط خفقان نموده‌اند.

حاکمیت ارتجاع اسلامی چه در گذشته و چه امروز نتیجه جز برپادی و حرکت قهقرا برای جامعه و مردم افغانستان در پی نداشته است. از طرف دیگر شکست مفتضحانه امپریالیزم اشغالگر امریکا و متحدین غربی و سقوط رژیم دست‌نشانده‌شان در افغانستان به معنی شکست برنامه‌های امپریالیستی و لیبرالی در افغانستان بود. در مدت بیست سال به درستی معلوم شد، که سلطه اشغال‌گرانه امپریالیستی نتیجه جز اسارت و بردگی ملیت‌های تحت ستم چیز دیگر در پی نداشته است.

درست است که اشغالگران امپریالیست در افغانستان شکست خورده و ارتجاع اسلامی جهادی-طالبانی مفتضح و بدنام هستند. اما این امر به خودی خود سبب نمی‌شود که توده‌ها از جنگال و اسارت امپریالیزم و ارتجاع رهایی یابد. رهبری شورش و مقاومت مسلحانه توده‌ها در افغانستان هنوز به دست طبقات ارتجاعی وابسته به امپریالیزم قرار دارد و هنوز راه مبارزه انقلابی حقیقی برای ایجاد دموکراسی نوین و سوسیالیزم مساعد نگشته است. برای تحقق این امر علاوه بر برنامه مدون و راه روشن مبارزات انقلابی، جسارت انقلابی و تلاش و پشت کار جدی نیز لازم است. کمونیست‌ها باید با جدیت تمام، ابزارهای مبارزات طبقاتی‌شان را آماده کنند؛ حزب کمونیست را به لحظ کمی و کیفی تقویت کنند و خلق را برای انقلاب آماده و متحد سازند. در این میان لازم است برای ارتقا دانش سیاسی و خط مشی درست انقلابی کمونیستی، تلاش صورت گیرد. فقط اندیشه و علم کمونیستی است که می‌تواند ملت‌ها و خلق‌های در بند افغانستان و جهان را متحد نموده و شوروشوق مبارزاتی توده‌ها را مطابق یک برنامه روشن، برای ایجاد جهان نوین برانگیزاند و برای نابودی نظام کهنه طبقاتی سرمایه‌داری به پیش برند.

مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر و سایر طبقات زحمتکش جامعه، بدون علم کمونیزم و حزب کمونیست به سرانجام نخواهد رسید، زیرا پیش‌برد مبارزه و به سرانجام رساندن موفقیت‌آمیز انقلاب قهری و سرنگونی طبقات ارتجاعی، بدون مبارزه مسلحانه تحت رهبری حزب کمونیست ممکن نیست. از این جهت لازم است حزب پرولتری که بر اساس اندیشه مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم استوار باشد، استحکام و تقویت گردد، تا تدارک برای جنگ خلق به نحو اصولی به پایان رسد و با برپایی جنگ خلق و ایجاد ارتش توده‌ای، اتحاد وسیع زحمتکشان افغانستان برای سرنگونی ارتجاع و امپریالیزم و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و حرکت به سمت سوسیالیزم ممکن گردد.

زنده‌باد اول می، روز جهانی کارگران جهان!

زنده‌باد مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم!

مرگ بر امپریالیزم و ارتجاع اسلامی!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول می ۲۰۲۲ (۱۱ ثور ۱۴۰۱)